

اعتراض ثالث یکی از طرق فوق العاده شکایت از آراء می باشد که برخلاف اعاده دادرسی، تجدیدنظر و فرجام جهت آن شمارش نشده و از طرف دیگر برخلاف سایر طرق اعتراض به آراء محدود به مهلت نمی باشد.

ثالث می تواند نسبت به هر رأی اعتراض کند بنابراین طبق نظر آقای دکتر شمس آراء قطعی و غیرقطعی، حضوری و غیابی، قرارهای قاطع و اعدادی قابل اعتراض ثالث می باشند اما آن چیزی که طبق قانون وجود دارد اعتراض ثالث طبق ماده ۴۲۰ آ.د.م تنها نسبت به آرای قطعی است.

ویژگی معترض ثالث: ۱- ثالث باشد؛ در واقع معترض ثالث باید جز اصحاب دعوا نباشد، بنابراین خواهان و خوانده وارد ثالث و جالب و

مجلوب ثالث نمی توانند نسبت به رأی صادره اعتراض ثالث نمایند.

۲- ذی نفع باشد: اعم از اینکه نفع او مادی یا معنوی باشد

۳- باید علیه اصحاب دعوا (خواهان و خوانده) دادخواست تقدیم نماید.

نکته شباهت: آراء شعب دیوان عدالت که بدون دخالت فرد ثالث ذی نفع، در مرحله دادرسی صادر شده، در صورتی که به حقوق شخص

ثالث خلل وارد نموده باشد ظرف ۲ ماه از تاریخ اطلاع از حکم قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی کننده به

پرونده مطرح می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده، مبادرت به صدور رأی می نماید.

نکته تفاوت: تفاوت اعتراض ثالث آ.د.م با اعتراض ثالث اجرایی مطابق ماده ۱۴۸ آ.ا.م در این است که اعتراض ثالث اجرایی بدون رعایت

تشریفات دادرسی و پرداخت هزینه دادرسی است در حالی که اعتراض ثالث آ.د.م با رعایت تشریفات و پرداخت هزینه

دادرسی است.

انواع اعتراض ثالث:

۱- اعتراض ثالث اصلی: این نوع اعتراض ثالث را با تمام احکام و قواعد آن با یک مثال توضیح می دهیم: فرض کنید نادر علیه ناصر

دعوایی به خواسته مطالبه یک تخته فرش در دادگاه عمومی بروجرد اقامه نموده است و حکم قطعی مبنی بر

مالکیت نادر صادر گردیده است. عماد که در دادرسی منتهی به صدور رأی دخالت نداشته است بعنوان ثالث به

رأی صادره میان نادر و ناصر اعتراض می کند این نوع اعتراض اصلی است که مستلزم تقدیم دادخواست و

پرداخت هزینه دادرسی است و دادخواست به دادگاهی تقدیم می شود که رأی معترض عنه را صادر کرده است

یعنی دادگاه عمومی بروجرد.

البته لازم به ذکر است که اگر رأی مرحله بدوی عیناً در مرحله تجدیدنظر تایید شود دادخواست اعتراض ثالث

باید به دادگاه تجدیدنظر استان تقدیم شود.

۲- اعتراض ثالث طاری: این نوع اعتراض را با تمام احکام و قواعد با یک مثال توضیح می‌دهیم:

فرض کنید نگین علیه مریم دعوایی به خواسته مطالبه یک تخته فرش را در دادگاه عمومی بروجرد اقامه کند نماید و حکم به مالکیت فرش بگیرد، چنانچه میترا فرش را در کرمانشاه دست نگین ببیند و دعوایی علیه او مبنی بر مطالبه فرش اقامه کند و نگین به حکم دادگاه عمومی بروجرد بعنوان دلیل استفاده نماید در این صورت مطابق ماده ۴۲۱ آ.د.م میترا باید اعتراض ثالث خود را در دادگاه عمومی کرمانشاه بدون تقدیم دادخواست و هزینه دادرسی بعمل آورد. در صورت وصول اعتراض ثالث طاری از طرف میترا (ثالث) اگر دادگاه تشخیص دهد که حکمی که در خصوص اعتراض یاد شده موثر در اصل دعوا باشد تا حصول نتیجه اعتراض رسیدگی به دعوا را به تأخیر می‌اندازد. حال اگر حکم مالکیت فرش را دادگاه تجدیدنظر استان لرستان صادر کرده باشد و نگین بعنوان دلیل به آن حکم استناد کند در این صورت میترا بایستی اعتراض ثالث اصلی خود را به دادگاه تجدیدنظر استان لرستان تقدیم کند که به مدت ۲۰ روز به اعتراض‌کننده مهلت داده می‌شود که دادخواست خود را به دادگاه مربوط تقدیم نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام نکند، دادگاه رسیدگی به دعوا را ادامه خواهد داد.

اثر تعلیقی اعتراض ثالث: اعتراض ثالث چه در دعوی مالی و چه غیرمالی اثر تعلیقی ندارد اما در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد دادگاه به درخواست معترض پس از اخذ تأمین مناسب قرار تأخیر اجرای حکم را برای مدت معین صادر می‌کند بنابراین:

۱- تمدید قرار تأخیر اجرای حکم امکانپذیر است.

۲- تأمین در هر حال باید از معترض ثالث گرفته شود.

- **ابرام شده است:** در صورتی که رأی ابرام شده باشد اعتراض ثالث باید به دادگاهی داده شود که رأی فرجام خواسته را صادر کرده است.

- **نقض شود:** ثالث می‌تواند در دادگاه مرجوع‌الیه بعنوان ثالث وارد شود یا اینکه منتظر صدور رأی قطعی از دادگاه مرجوع‌الیه باشد و پس نسبت به آن رأی اعتراض ثالث نماید.

اعتراض ثالث در دیوانعالی کشور

نکات پایانی اعتراض ثالث:

- ۱- اگر در دادرسی منتهی به صدور رأی یکی از اصحاب دعوا از طریق وکیل یا نماینده در دادرسی دخالت داشته باشد نمی‌تواند نسبت به رأی اعتراض ثالث کند ولی وکیل یا نماینده می‌تواند بعنوان ثالث به رأی صادره اعتراض ثالث نماید.
- ۲- اگر اداره اوقاف متولی را نماینده خود بداند نمی‌تواند نسبت به رأی صادره اعتراض ثالث کند.
- ۳- آراء اداره ثبت قابل اعتراض ثالث نمی‌باشند.
- ۴- اگر مستند حکم دادگاه حقوقی رأی کیفری باشد دادگاه نمی‌تواند به اعتراض ثالث رسیدگی کند.
- ۵- اعتراض ثالث طاری علی‌الاصول مستلزم تقدیم دادخواست نیست.
- ۶- شرایط دادخواست اعتراض ثالث همانند دادخواست بدوی است.
- ۷- طرح کلیه دعاوی طاری در مرحله اعتراض ثالث ممنوع است.
- ۸- رأی صادره در اعتراض ثالث در هر حال حضوری و غیرقابل واخواهی است.
- ۹- اعتراض ثالث نسبت به رأی داور امکان‌پذیر است و به دادگاهی داده می‌شود که صالح به رسیدگی به اصل دعوا بوده یا دعوا را به داوری ارجاع نموده است.

سوم: اعاده دادرسی

اعاده دادرسی از طرق فوق‌العاده و عدولی شکایت از آراء است که ویژه احکام قطعی است. اعاده دادرسی تنها نسبت به احکامی قابل طرح است که قانونگذار صراحتاً پیش بینی کرده است.

در این جا می‌خواهیم هر یک از جهات اعاده دادرسی در ماده ۴۲۶ آ.د.م را بررسی و مهلت و پیوست‌هایی که بایستی ضمیمه دادخواست باشد را بیان نماییم.

اول: موضوع حکم مورد ادعای خواهان نبوده باشد:

- برای مثال خواهان مطالبه یکصد تن گندم نموده و دادگاه خوانده را محکوم به یکصد تن شکر نموده باشد.
- پیوست این جهت از اعاده دادرسی حکم مورد درخواست اعاده دادرسی است.
- آغاز مهلت این جهت از اعاده دادرسی ۲۰ روز یا ۲ ماه از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و تجدیدنظر یا قطعی شدن حکم است.
- این جهت از اعاده دادرسی در بند الف ماده ۹۸ د.ع.ا آمده است.

دوم: حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد:

- برای مثال خواهان مطالبه پنجاه میلیون تومان نموده باشد و دادگاه خوانده را به پرداخت هفتاد میلیون محکوم نماید.
- پیوست این جهت از اعاده دادرسی حکم مورد درخواست اعاده دادرسی است.
- آغاز مهلت این جهت از اعاده دادرسی ۲۰ روز یا ۲ ماه از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و تجدیدنظر یا قطعی شدن حکم است.
- این جهت از اعاده دادرسی در بند ب ماده ۹۸ د.ع.ا آمده است.

سوم: وجود تضاد در مفاد یک حکم

- برای مثال ضمن اینکه دادگاه خواهان را محکوم به بی‌حقی کرده است خوانده را به پرداخت حق‌الوکاله وکیل خواهان محکوم کند.
- پیوست و آغاز مهلت اعاده دادرسی مانند بند الف و ب می‌باشد.
- این جهت از اعاده دادرسی در بند پ ماده ۹۸ د.ع.ا آمده است.

چهارم: حکم اعتبار امر قضاوت شده داشته باشد:

- برای تحقق این جهت از اعاده دادرسی چند شرط لازم است:
- ۱- صدور ۲ حکم متضاد باشد بنابراین شامل حکم و قرار نمی‌شود هرچند که متضاد یکدیگر باشند.
- ۲- دو حکم باید قطعیت یافته باشد پس اگر یکی از آنها غیرقطعی باشد اعاده دادرسی منتفی است.
- ۳- دو حکم باید مخالف باشد اعم از اینکه این مخالف کلی یا جزئی باشد.
- ۴- دو حکم باید از یک دادگاه صادر شده باشد ولو به اختلاف شعبه
- پیوست این جهت از اعاده دادرسی احکام (حکم اول و حکم دوم است)
- آغاز مهلت این جهت از اعاده دادرسی ظرف ۲۰ روز یا ۲ ماه از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است.
- این جهت از اعاده دادرسی در بند ت ماده ۹۸ د.ع.ا آمده است.

پنجم: به کار بردن حيله و تقلب و موثر بودن آن در حکم

- صرف اظهارات اصحاب دعوا هرچند کذب باشد حيله و تقلب نیست ولی شهادت کذب که در اثر تبانی باشد مصداق حيله و تقلب است.
- به کار بردن حيله و تقلب به تنهایی جهت اعاده دادرسی کافی نیست بلکه باید حيله و تقلب موثر باشد اعم از اینکه از طرف اصیل یا وکیل و نماینده باشد.
- پیوست این جهت از اعاده دادرسی حکم نهایی مبنی بر اثبات حيله و تقلب است.
- آغاز مهلت این جهت ۲۰ روز یا ۲ ماه از تاریخ ابلاغ حکم نهایی مبنی بر اثبات حيله و تقلب است.

ششم: حکم مستند

به اسناد جعلی باشد

- برای تحقیق این جهت از اعاده دادرسی جعلیت اسناد باید پس از صدور حکم مشخص شود پس اگر جعلیت اسناد قبل از صدور حکم معلوم باشد و دادگاه به استناد سند جعلی حکم صادر کرده باشد از جهات تجدیدنظر و فرجام است.

- پیوست این جهت از اعاده دادرسی حکم نهایی مبنی بر اثبات جعلیت سند است.

- ابتدای مهلت اعاده دادرسی تاریخ ابلاغ حکم نهایی مبنی بر اثبات جعلیت سند است.

- در بند ث ماده ۹۸ د.ع.ا این جهت از اعاده دادرسی آمده است.

هفتم: به دست آمدن

اسناد مکتوم

- برای تحقق این جهت از اعاده دادرسی اسناد بایستی پس از صدور حکم به دست آید بنابراین اسنادی که بعد از صدور رأی تنظیم می شود از این حیث اعتباری ندارد (اسناد بایستی در اختیار متقاضی نباشد تا بتواند اعاده دادرسی کند)

- پیوست این جهت اعاده دادرسی اسناد و مدارک به دست آمده است.

- آغاز مهلت این جهت از اعاده دادرسی ظرف ۲۰ روز یا ۲ ماه از تاریخ به دست آمدن اسناد و مدارک یا

اطلاع از وجود آنها است.

- در بند ج ماده ۹۸ د.ع.ا این جهت از اعاده دادرسی آمده است.

انواع اعاده دادرسی:

اول: اعاده دادرسی اصلی: این نوع اعاده دادرسی را با یک مثال تمام احکام و قواعد مربوط را توضیح می دهیم.

فرض کنید سينا عليه مينا دعوى مطالبه يكصدتن گندم اقامه كند و دادگاه مينا را محكوم به پرداخت يكصد و ده تن گندم يا محكوم به يكصد تن چای نماید که در اینصورت چون مورد خواسته خواهان نبوده یا بیشتر از آن است مينا می تواند با تقدیم دادخواست به دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای اعاده دادرسی نماید.

دوم: اعاده دادرسی طاری: این نوع اعاده دادرسی را با یک مثال، تمام احکام و قواعد مربوط به آن را توضیح می دهیم:

فرض کنید نادر علیه ناصر به استناد یک قولنامه که جعلی بودن آن مشخص نیست در دادگاه عمومی بروجرد حکم به تحویل یک دستگاه اتومبیل گرفته و به هر علت حکم را اجرا نمی کند. پس از گذشت یکسال از تاریخ صدور حکم مالکیت اتومبیل دعوی مطالبه اجرت المثل ایام تصرف یکساله اتومبیل را علیه ناصر مجدداً در دادگاه عمومی تهران طرح می نماید (این در حالی است که ناصر حکم به جعلیت قولنامه را گرفته است) و برای اثبات مالکیت خود به حکم دادگاه بروجرد استناد می کند، در اینجا ناصر درخواست اعاده دادرسی طاری را در دادگاه عمومی تهران تقدیم کرده و ظرف ۳ روز دادخواست تقدیم می نماید و دادگاهی که درخواست اعاده دادرسی را دریافت می کند (تهران) مکلف است آن را به دادگاه صادرکننده حکم (بروجرد) ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را قوی بداند و موثر در دعوا باشد رسیدگی به دعوی اجرت المثل ایام تصرف را به تأخیر می اندازد.

نکته تفاوت: اعاده دادرسی طاری مطلقاً مستلزم تقدیم دادخواست است در حالی که اعتراض ثالث طاری علی الاصول دادخواست نمی خواهد مگر رأی معترض عنه را دادگاهی که درجه آن بالاتر است صادر کرده باشد.

نکات پایانی اعاده دادرسی:

۱- در مورد داوری و آراء صادره از داوری اعاده دادرسی پیش بینی نشده است.

۲- جهات اعاده دادرسی باید محقق باشد و صرف ادعای وجود آنها موجب اعاده دادرسی نیست.

۳- هزینه اعاده دادرسی در دیوان عدالت اداری به صورت مقطوع (فعلاً) ۳۰۰/۰۰۰ ریال است.

۴- اگر حکم توسط دادگاه تجدیدنظر تایید شده باشد اعاده دادرسی را باید به دادگاه تجدیدنظر داد.

۵- درخواست اعاده دادرسی طاری را به دادگاهی که حکم بعنوان دلیل ابراز شده است می‌دهیم ولی این دادگاه حق رسیدگی ندارد.

۶- اگر حکم در دیوانعالی کشور ابرام شده باشد باید درخواست اعاده دادرسی به دفتر دیوان تقدیم گردد.

۷- اعاده دادرسی اثر انتقالی دارد و فقط نسبت به محکوم به غیرمالی اثر تعلیقی دارد.

۸- در د.ع.ا شعبه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی می‌تواند در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را صادر نماید (ماده ۱۰۳ د.ع.ا)

قابلیت اعتراض به رأی در مراحل مختلف:

انواع مراحل	تجدیدنظر	واخواهی	فرجام خواهی	اعتراض ثالث	اعاده دادرسی
۱- مرحله بدوی	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد
۲- مرحله تجدیدنظر	امکان ندارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد
۳- مرحله واخواهی*	امکان دارد	امکان ندارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد
۴- مرحله فرجام	امکان دارد	امکان ندارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد
۵- مرحله اعتراض ثالث	امکان دارد	امکان ندارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد
۶- مرحله اعاده دادرسی	امکان دارد	امکان ندارد	امکان دارد	امکان دارد	امکان دارد

* دقت شود در مرحله فرجام در صورتی که رأی نقض شود و به دادگاه مرجوع الیه فرستاده شود و در این دادگاه رأی صادر شود منظور می‌باشد.

اثر تعلیقی در مراحل مختلف:

- واخواهی: واخواهی مطلقاً در صورت پذیرش و درخواست توقیف، مانع اجرای حکم است.
- تجدیدنظر: علی‌الاصول تجدیدنظرخواهی مانع اجرای حکم است مگر در دعوی تصرف عدوانی و برخی دعاوی دیگر

طرق عادی اعتراض به رأی

- فرجام

- اعاده دادرسی

- اگر محکوم به مالی باشد = محکوم له تامین می‌دهد تا حکم اجرا شود.
- اگر محکوم به غیرمالی باشد = محکوم علیه تامین می‌دهد تا اجرا به تاخیر بیافتد
- اگر محکوم به مالی باشد = محکوم له تامین می‌دهد تا حکم اجرا شود.
- اگر محکوم به غیرمالی باشد = با قبول اعاده دادرسی بدون دادن تامین اجرا متوقف می‌شود.
- اعتراض ثالث = اعم از اینکه محکوم به مالی باشد یا غیرمالی معترض ثالث باید تامین بدهد که دادگاه تقرر تاخیر اجرای حکم را تا مدت معین صادر می‌کند (تجدید مهلت مجاز است)

طرق فوق العاده اعتراض به رأی